



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

رساله دکتری

رشته: فلسفه دین

عنوان:

بررسی دیدگاه «الحاد جدید» درباره‌ی رابطه‌ی علم و اخلاق به روایت سم هریس

استاد راهنما:

دکتر یوسف دانشور نیلو

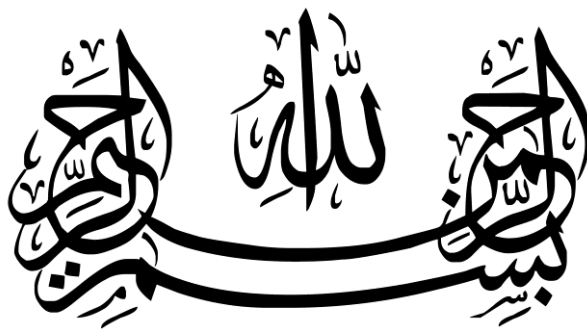
استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر تقی محدر

دانش پژوه:

مرتضی فقیهی فاضل

اردیبهشت ۱۴۰۱



همه حقوق اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس از این پایان نامه برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) محفوظ است. نقل مطلب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیم

رساله حاضر را که اثری بس ناچیز و باعث شرمساری من است، تقدیم می‌کنم
به محضر نورانی امیرالمؤمنین حضرت علی و حضرت زهرا (سلام الله علیهما)
و اولاد طاهرینشان (علیهم السلام).

تقدیم به روح پاک سردار رشید و عزیز اسلام، حاج قاسم سلیمانی و تمامی
شهدای اسلام، شهدای انقلاب اسلامی ایران، شهدای دفاع مقدس، شهدای
مدافع حرم و شهدای مدافع امنیت و سلامت ایران اسلامی.

تقدیم به روح پاک پدر عزیز و مهربانم، مرحوم حمدالله فقیهی فاضل.

«ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب»

تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که انسان را بر سلاح بیان و تفکر توانا ساخت. خالصانه ترین سلام ها و درودها بر پیامبر رحمت، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طاهرین او. سلام و درود بیکران بر ذخیره الهی، حضرت حجت بن الحسن العسکری، (روحی له الفداء). سلام و درود خدا بر معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و رهبر فرزانه انقلاب، امام خامنه ای (دامت برکاته). به روح مطهر و ملکوتی آیت الله مصباح یزدی (قدس الله نفسه الزکیه) درود می فرستم و رحمت و رضوان بیکران الهی را برای ایشان از درگاه الهی مسئلت دارم.

بر خود واجب می دانم از تمامی معلمان و اساتیدی که چراغ علم و معرفت را در وجودم روشن ساختند، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم. به روح پاک پدر مرحوم درود می فرستم که مرا با دین و علوم اسلامی آشنا ساخت و دستان پر مهر مادرم را می بوسم که عمری برای آسایش و آرامش من تلاش کرد. به طور خاص و ویژه از استاد گرامی و عزیزم، دکتر یوسف دانشور، تشکر می کنم که اگر راهنمایی های بی دریغ و دلسوزانه ی ایشان نبود، این رساله به سرانجام نمی رسید. از صمیم قلب برای ایشان آرزوی سلامتی و توفیق کرده و دستان او را می بوسم و برای والدین مرحوم ایشان، طلب رحمت و مغفرت واسعه از درگاه خداوند متعال خواستارم.

از اساتید و مسئولان گروه کلام و فلسفه دین موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تشکر می کنم. از حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر تقی محدر که در این تحقیق، بنده را از مشاوره های مشفقانه خود بهره مند کردند، تشکر می نمایم. همچنین از اساتید محترم داور که با نظرات ارزشمندشان لطف خود را از بنده دریغ نکردند، قدردانی می نمایم.

در پایان از همسر و فرزندان عزیزم که در طول تدوین این رساله، فضای مناسبی را برای من فراهم کردند، تشکر نموده و از کاستی های فراوانی که در این مدت از سوی من متوجه آنان شد، پوزش و حلالیت می طلبم.

چکیده:

نگاه رایج و عمومی به رابطه‌ی میان «علم و اخلاق» آن است که علم به جهان امور عینی و اشیاء مادی و طبیعی می‌پردازد و هرگز نمی‌تواند در باب اخلاق، که متعلق به قلمرو ارزش‌هاست، اظهار نظر کند. از طرف دیگر، بسیاری، به خصوص متدینان، اخلاق را به انحاء مختلفی وابسته و نیازمند به دین دانسته و دین را منشأ و منبع اخلاق به شمار می‌آورند.

در مقابل، جریان الحاد به ویژه «الحاد جدید»، در تلاش برای مقابله با نفوذ دین در عرصه‌های مختلف حیات بشر، با طرح داده‌های آماری و تحلیل‌های نظری، دین را معارض با اخلاق معرفی می‌کند و تأسیس اخلاق سکولار را در دستور کار قرار می‌دهد. در این میان مواجهه الحادی سم هریس با مقوله اخلاق، در عین حال که وجوه مشترک بسیاری با مواجهه دیگر ملحدان دارد، باید خاص تلقی گردد، چرا که او برنامه تأسیس اخلاق علمی را با استفاده از دانش‌های مربوط به مغز انسان دنبال می‌کند که در نوع خود بی‌سابقه است. رساله حاضر به طرح و بررسی مواجهه هریس با مسئله علم و اخلاق می‌پردازد.

هریس در مسیر تأسیس اخلاق علمی ابتدا به کمک شهود و ارتکازات عرفی تلاش می‌کند باور به نسبیت و غیرواقعی بودن اخلاق را ابطال کند. او سپس ارزش‌های اخلاقی را عبارت از افعال، اندیشه‌ها و نیاتی می‌داند که در بهزیستی موجودات آگاهی مثل انسان نقش دارند. مبنا قراردادن بهزیستی، به عنوان امری عینی که تابع علل و عوامل عینی است، در اخلاق این امکان را به هریس می‌دهد تا ارزش‌ها را همچون هست‌ها متعلق به عالم اعیان بداند. به علاوه، گره زدن بهزیستی به آگاهی، به ضمیمه نگاه فیزیکالیستی هریس به انسان، زمینه را فراهم می‌سازد تا او مغز را به عنوان مرکز آگاهی انسان و از این رو، عامل تعیین‌کننده بهزیستی معرفی کند. به این ترتیب، علاوه بر این که مبنای دیگری برای عینی دانستن ارزش‌ها فراهم می‌گردد، توجیهی برای ورود انحصاری علم به حوزه ارزش‌ها به دست می‌آید، چرا که شناخت مغز در قلمرو علم و به ویژه دانش عصب‌شناسی قرار دارد. این گونه است که هریس به ضرورت تأسیس اخلاق علمی می‌رسد.

بررسی دیدگاه هریس در باب نفی اخلاق دینی نشان می‌دهد که نگاه وی دچار اشکالات متعددی است. برخورد متعصبانه نسبت به خداباوری و دین و نیز عدم تفکیک میان آن‌ها، نادیده‌گرفتن عوامل

مختلف تأثیرگذار در حیات اخلاقی انسان و نیز برخورد غیرعلمی در تحلیل داده‌ها و استنتاج از آن‌ها از جمله مشکلات هریس در این بخش می‌باشد.

همچنین برنامه اخلاق علمی هریس از اشکالات زیادی رنج می‌برد. شهود و فهم متعارفی که بسیار مورد استناد سم هریس است، با اخلاق علمی او مخالفت می‌کند. همچنین نگاه هریس به بهزیستی و اخلاق، متأثر از نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی وی است که مخالفان زیادی دارد. همچنین نگاه هریس به بحث‌ها بسیار بسیط و ساده‌انگارانه است به گونه‌ای که گویی او چندان اطلاعی از بحث‌های پیچیده جاری در حوزه‌های فلسفه اخلاق و فلسفه ذهن ندارد. ناتوانی هریس در نفی نسبیت‌گرایی اخلاقی و نیز عجز از پر کردن شکاف میان «است» و «باید» از دیگر نقاط ضعف دیدگاه وی است. همچنین او با نفی اختیار دیگر جایی برای طرح اخلاق باقی نگذاشته است و در پایان ادعای هریس مبنی بر اخلاق علمی، ادعایی آرمانی است که دستیابی به آن غیر ممکن است.

واژگان کلیدی:

دین، علم، اخلاق، الحاد جدید، سم هریس، اخلاق علمی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۱

۱-۱ کلیات..... ۲

۱-۱-۱ مسئله تحقیق..... ۲

۱-۱-۲ ضرورت تحقیق..... ۴

۱-۱-۳ پیشینه تحقیق..... ۴

۱-۱-۴ پرسش‌های اصلی و فرعی..... ۶

۱-۱-۵ روش تحقیق..... ۶

۱-۱-۶ ساختار تحقیق..... ۷

۲-۱ مفاهیم..... ۸

۲-۱-۱ دین..... ۸

۲-۱-۲ علم..... ۹

۲-۱-۳ اخلاق..... ۱۲

۲-۱-۴ الحاد جدید..... ۱۴

۲-۱-۵ سم هریس..... ۱۸

فصل دوم: دیدگاه‌های موجود نسبت به رابطه‌ی «دین و اخلاق» و «علم و اخلاق»..... ۲۳

۲-۱ دیدگاه‌های موجود نسبت به رابطه‌ی دین و اخلاق..... ۲۴

۲-۱-۱ تحویل‌گرایی دین به اخلاق..... ۲۵

۲-۱-۲ تحویل‌گرایی اخلاق به دین..... ۲۸

۲-۱-۳ تمایز دین و اخلاق..... ۳۰

۲-۱-۴ تعامل دین و اخلاق..... ۳۲

۲-۱-۵ تعارض دین و اخلاق..... ۳۴

۲- دیدگاه‌های موجود نسبت به رابطه‌ی علم و اخلاق..... ۳۸

۱-۲-۲ وابستگی تام اخلاق به علم (اخلاق علم‌بنیاد)..... ۴۰

۲-۲-۲ تمایز علم و اخلاق..... ۴۲

۳-۲-۲ تعامل علم و اخلاق..... ۴۵

۴-۲-۲ تعارض علم و اخلاق..... ۴۷

۳- جمع‌بندی فصل..... ۵۱

فصل سوم: رابطه‌ی «دین و اخلاق» از دیدگاه سم هریس و بررسی آن..... ۵۳

۱-۳ اخلاق از منظر سم هریس..... ۵۶

۲-۳ دین از منظر سم هریس..... ۵۸

۳-۳ رابطه دین و اخلاق از منظر سم هریس..... ۵۹

۱-۳-۳ بررسی‌های میدانی به نفع الحاد و به ضرر خداباوری و دین..... ۶۰

۱-۳-۳-۱ نوع‌دوستی..... ۶۵

۲-۳-۳-۱ پایین‌بودن میزان قتل و کشتار..... ۶۵

۳-۳-۳-۱ امید به زندگی..... ۶۶

۴-۳-۳-۱ نرخ مرگ و میر نوزادان و کودکان..... ۶۷

۵-۳-۳-۱ صلح، امنیت اجتماعی و پایین‌بودن میزان جرائم خشن..... ۶۷

۶-۳-۳-۱ آمار پایین زندانیان..... ۶۸

۷-۳-۳-۱ تولید ثروت و رشد ناخالص داخلی..... ۶۸

۸-۳-۳-۱ استفاده یکسان زنان و مردان از امکانات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی..... ۶۹

۹-۳-۳-۱ میزان مراقبت‌های پزشکی و درمان..... ۶۹

۱۰-۳-۳-۱ میزان تحصیلات و آموزش و پرورش..... ۷۰

۱۱-۳-۳-۱ پایین‌بودن میزان فساد در میان حاکمان و سیاستمداران..... ۷۰

۲-۳-۳ آموزه‌ها و احکام دینی متعارض با اخلاق انسانی..... ۷۱

۱- ۲- ۳- ۳ آموزه‌های جهاد و شهادت منشأ خشونت ادیان	۷۱
۲- ۲- ۳- ۳ مسأله اعدام و اجرای حدود الهی	۸۱
۳- ۲- ۳- ۳ حکم به جواز بردگی	۸۲
۴- ۲- ۳- ۳ پایمال کردن حقوق زنان و کودکان	۸۳
۴- ۳ نقد رابطه دین و اخلاق از منظر هریس	۸۵
۱- ۴- ۳ نقد تعریف اخلاق از منظر هریس و مبانی آن	۸۵
۲- ۴- ۳ عدم تعیین دقیق معنای الحاد و باور به خدا	۸۷
۳- ۴- ۳ تأکید بر روش علمی و عمل نکردن بر اساس آن	۸۸
۴- ۴- ۳ تمسک به مغالطه‌ی استقرای ناقص در اثبات مدعیات خود	۸۹
۵- ۴- ۳ نادیده گرفتن نقش عوامل مختلف در حیات اخلاقی انسان	۹۳
۶- ۴- ۳ عدم توجه به تفکیک میان دین و خداباوری	۹۳
۷- ۴- ۳ کارایی دین هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی	۹۵
۸- ۴- ۳ نادیده گرفتن جنایات ملحدان و سکولارها	۹۵
۱- ۸- ۴- ۳ استالین و هیتلر	۹۶
۲- ۸- ۴- ۳ انور خوجه	۹۶
۳- ۸- ۴- ۳ پل پوت	۹۷
۹- ۴- ۳ ریشه غیردینی بسیاری از جنگ‌ها در جهان	۹۹
۱۰- ۴- ۳ نقش غرب در نابسامانی کشورهای اسلامی و بسامان‌بودن کشورهای الحادی	۱۰۲
۱- ۱۰- ۴- ۳ القاعده	۱۰۲
۲- ۱۰- ۴- ۳ داعش	۱۰۶
۱۱- ۴- ۳ آموزه‌ها و احکام اسلامی در راستای دفاع از اخلاق و حقوق فردی و اجتماعی	۱۰۹
۱- ۱۱- ۴- ۳ نسبت ناروای خشونت و ترور به اسلام	۱۱۰
۲- ۱۱- ۴- ۳ حکمت وضع کیفرهای حدی	۱۱۷
۳- ۱۱- ۴- ۳ فلسفه بردگی	۱۲۰

۴- ۱۱- ۴- ۳ رعایت حقوق زنان و کودکان ۱۲۳

۵- ۳ جمع‌بندی فصل ۱۲۶

فصل چهارم: رابطه «علم و اخلاق» از دیدگاه سم هریس و بررسی آن ۱۲۹

۱- ۴ کلیات طرح اخلاق علمی سم هریس ۱۳۱

۲- ۴ مؤلفه‌های اصلی طرح سم هریس بر اخلاق علمی ۱۳۴

۱- ۲- ۴ تکیه بر شهود در حوزه ارزش‌ها ۱۳۴

۲- ۲- ۴ تعریف ارزش بر اساس بهزیستی موجودات آگاه ۱۳۷

۳- ۲- ۴ واقع‌گرایی اخلاقی ۱۴۰

۴- ۲- ۴ نفی شکاف میان «هست» و «باید» ۱۴۲

۵- ۲- ۴ نتیجه‌گرایی اخلاقی ۱۴۴

۶- ۲- ۴ محوریت مغز در اخلاق ۱۴۸

۷- ۲- ۴ نقش دانش عصب‌شناسی در تعیین ارزش‌های اخلاقی ۱۵۰

۸- ۲- ۴ نفی اخلاق تکاملی ۱۵۲

۹- ۲- ۴ نفی اختیار ۱۵۴

۳- ۴ نقد اخلاق علمی سم هریس ۱۵۵

۱- ۳- ۴ استفاده بی‌ضابطه از شهود و فهم متعارف ۱۵۵

۱- ۳- ۴ نقش شهود در معرفت بشری و اخلاق ۱۵۶

۲- ۳- ۴ کنار گذاشتن مفاهیم اخلاقی و جایگزین کردن ارزش به جای اخلاق ۱۵۸

۳- ۳- ۴ پارادوکس شهود و علم اخلاق ۱۶۱

۴- ۳- ۴ بی‌دقتی در نحوه بکارگیری واژه ارزش ۱۶۲

۲- ۳- ۴ «بهزیستی مادی» معیاری نادرست برای ارزش‌ها ۱۶۴

۳- ۳- ۴ بهزیستی و آگاهی ۱۶۵

۱- ۳- ۳- ۴ عدم ارائه دلیل موجه برای گره‌زدن آگاهی به بهزیستی ۱۶۶

۲-۳-۳-۴ تحقیق بهزیستی بدون آگاهی ۱۶۷

۳-۳-۳-۴ نسبت گرای اخلاقی ۱۶۸

۴-۳-۳-۴ نسبی بودن مفهوم بهزیستی ۱۶۹

۴-۳-۴ فیزیکالیسم ۱۷۱

۵-۳-۴ طرح بی دلیل بهزیستی اجتماعی ۱۷۳

۶-۳-۴ ساده اندیشی نسبت به ماهیت پیچیده بحث های اخلاقی ۱۷۵

۷-۳-۴ شکاف میان «است» و «باید» ۱۷۸

۸-۳-۴ جبرگرایی ۱۸۰

۹-۳-۴ اخلاق علمی، آرمان شهری دست نیافتنی ۱۸۴

۴-۴ جمع بندی فصل ۱۸۸

خاتمه: نتیجه گیری ۱۸۹

منابع ۱۹۵

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

در این بخش به «بیان مسئله»، «ضرورت تحقیق»، «پیشینه تحقیق»، «پرسش‌های اصلی و فرعی»، «روش تحقیق» و «ساختار تحقیق» پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱ مسئله تحقیق

نگاه رایج و عمومی به رابطه‌ی میان علم تجربی^۱ و اخلاق آن است که علم صرفاً داده‌ها و اطلاعاتی خالی از هر گونه ارزش اخلاقی است. بر این اساس، سؤال‌هایی از قبیل اینکه خوب چیست و بد کدام است، چه اموری با ارزش و چه اموری ضد ارزشند، چه کارها و رفتارهایی به لحاظ اخلاقی درست و نادرست‌اند، پرسش‌هایی نیستند که علم قادر به پاسخ‌گویی به آنها باشد. از طرف دیگر، بسیاری اخلاق را به انحاء مختلفی وابسته و نیازمند به دین می‌دانند؛ خواه امر و نهی الهی منشأ ارزش‌های اخلاقی دانسته شود و خواه خداوند واضع یا خالق قوانین اخلاقی در نظر گرفته شود و یا اینکه دین کاشف گزاره‌های اخلاقی یا صرفاً ضامن اجرای قواعد و اصول اخلاقی لحاظ گردد.

اما ملحدان در دنیای مدرن همواره برای فراهم‌آوردن مبنایی برای ارزش‌های اخلاقی عینی دچار مشکل بودند، زیرا آنها از طرفی به دلیل تجربه‌گرایی و از طرف دیگر به دلیل عدم اعتقاد به خدا نمی‌توانستند جایگاهی برای اخلاق واقع‌گرایانه و عینی در الحاد خود، دست و پا کنند. بدیهی است که این نگاه در میان عموم افراد جامعه پذیرفته نشده و به نوعی مقبولیت اجتماعی الحاد با مشکل مواجه می‌شد.

اما در سال‌های اخیر جریانی به نام «الحاد جدید» شکل گرفته که توسط چهره‌هایی همچون ریچارد داوکینز^۲، دنیل دنت^۳، ساموئل بنجامین هریس^۴ و کریستوفر هیچنز^۵ نمایندگی می‌شود. این جریان تمام تلاش خود را صرف ضدیت با خدا باوری قرار داده و معتقد است باور به خدا نه تنها نامعقول و عاری از هر فایده‌ای است، بلکه شر و خطرناک است. این جریان همچنین تلاش می‌کند

^۱ Science.

^۲ Morality.

^۳ Clinton Richard Dawkins (1941 - ...)

^۴ Daniel Clement Dennett (1942 - ...).

^۵ Samuel (Sam) Benjamin Harris (1967 - ...)

^۶ Christopher Eric Hitchens (1949 – 2011).

علاوه بر پیروی از اسلاف خود در نفی اخلاق دینی یک گام فراتر رفته و نقیصه الحاد سستی در عدم امکان ارائه تصویری عینی از اخلاق را برطرف کرده و اخلاقی علم‌بنیاد را برپا کند.

ملحدان جدید در راستای نفی اخلاق دینی با بیان مدعیاتی چون نقش کم‌رنگ دین در بهسازی اخلاقی جامعه، انتساب جنگ و خونریزی به دین و خدا باوری و نیز احکام ضد اخلاقی در ادیان به‌ویژه نسبت به زنان و کودکان، به ضدیت دین با اخلاق دامن می‌زنند.

همچنین بزرگان این جریان، به ویژه سم هریس، برای طرح اخلاق علم‌بنیاد تلاش‌های زیادی می‌کنند. سم هریس در برخی از مصاحبه‌ها و نوشته‌هایش از جمله کتاب «چشم‌انداز اخلاقی: علم چگونه می‌تواند ارزش‌های انسانی را معین کند»^۱ ابتدا اخلاق را مجموعه‌ای از نگرش‌ها، انتخاب‌ها و رفتارهایی تعریف می‌کند که به منظور تأمین بهزیستی^۲ بر ما انسان‌ها به‌عنوان موجودات آگاه تأثیرگذار است^۳ و سپس با رد نسبیت‌گرایی اخلاقی، برای اخلاق و گزاره‌های اخلاقی حقیقتی و رای احساس و ذهنیت اشخاص تعریف کرده و تأثیر رفتارها بر سلامت و بهزیستی جامعه را تأثیری واقعی و عینی می‌داند. به‌عنوان نمونه جنگ واقعاً بد است، زیرا ویرانی و نابودی به‌همراه دارد و به بهزیستی انسان آسیب می‌زند ولی صلح حقیقتاً خوب است، زیرا آسایش و بهزیستی جامعه را تأمین کرده و موجب لذت‌بردن مردم از زندگی می‌گردد. به اعتقاد هریس، ارزش‌های اخلاقی با آگاهی و تجربه‌ی موجودات آگاه، یعنی انسان، سر و کار دارد و آگاهی نیز در بستر تعامل مغز با محیط پیرامون انسان تعریف می‌شود. بر اساس رویکرد فیزیکی‌الستی‌ای که هریس اتخاذ کرده، همان‌طور که خود وی نیز تصریح می‌کند، آگاهی نباید منبع و قانونی جز مغز داشته باشد، از این رو از آنجا که ارزش‌ها به جهان موجودات آگاه، یعنی ما انسان‌ها تعلق دارد و آگاهی نیز تماماً به مغز وابسته است، کار دآوری درباره ارزش‌ها را باید به علم سپرد، چرا که تنها حوزه‌ای که عهده‌دار مطالعه و شناخت مغز است، علم و به‌ویژه دانش عصب‌شناسی است. از این رو اخلاق باید تنها از علم زاده شود.

تبیین و بررسی دیدگاه الحاد جدید درباره‌ی رابطه‌ی علم و اخلاق به روایت سم هریس، موضوع این تحقیق خواهد بود.

^۱ Sam Harris, The Moral Landscape: How Science Can Determine Human Values (2010).

^۲ Well – being.

^۳ Ibid, p 12.

۲-۱-۱ ضرورت تحقیق

الحاد جدید به وسیله‌ی علم و نظریات علمی تفکرات و فلسفه الحادی خود را بسط و نشر می‌دهد. استفاده از علم باعث عمومی‌شدن و فراگیرشدن این تفکر در میان توده‌های مختلف شده است. اگر زمانی مباحث الحادی در فضاهای محدود علمی مورد بحث قرار می‌گرفت و کتب الحادی بسیار نایاب بود، امروزه نه تنها فضاهای دانشگاهی، بلکه مدارس متوسطه نیز با این مباحث سر و کار داشته و از تفکرات الحادی تأثیر گرفته‌اند. کتب الحادی با برچسب علمی، نه به صورت زیرزمینی بلکه توسط مراکز نشر معتبر و معروف کشوری چاپ و منتشر می‌شود.

الحاد جدید در عرصه‌های مختلف به جنگ دین و خدا باوری رفته است؛ از نفی وجود خدا گرفته تا نفی کارایی دین در عرصه اخلاق، معنویت و اجتماع. این جریان در زمینه اخلاق از دو جهت دین را مورد حملات خود قرار داده است؛ یکی اثبات ضدیت دین با اخلاق و دیگری اثبات منبعیت علم تجربی برای اخلاق و تأسیس اخلاق علم‌بنیاد. به نظر می‌رسد اگر ادعای الحاد جدید نسبت به هر یک از موارد فوق اثبات شود، کار برای دین و خدا باوری در عرصه‌ی منبعیت دین برای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی مشکل می‌شود.

از این رو بررسی چنین دیدگاهی در زمینه نفی اخلاق دینی و ایجاد اخلاق علم‌بنیاد ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۱-۱ پیشینه تحقیق

درباره‌ی پیشینه‌ی عام می‌توان به برخی از آثار ملحدان جدید در زمینه‌ی نفی اخلاق دینی اشاره کرد:

۱— کتابی با عنوان «شکستن شیشه جادو؛ دین به عنوان یک پدیده طبیعی» اثر دنیل دنت. وی در این کتاب از ارائه نظام اخلاقی و نیز معنادار کردن زندگی به عنوان کارکردهای دین از منظر متدینان یاد می‌کند و با نفی اخلاق دینی معتقد است علم نیز قادر است این دو کارکرد را تبیین کند.

۲— کریستوفر هیچنز نیز در کتابی با عنوان «خدا بزرگ نیست؛ چگونه دین همه چیز را مسموم می‌کند»^۲ بشدت به اخلاق دینی می‌تازد و تبیین‌های فراطبیعی از اخلاق را نفی کرده و می‌گوید وقتی

^۱ Daniel Dennett, Breaking the Spell: Religion as a Natural Phenomenon (2006)

^۲ Christopher Hitchens, God Is Not Great: How Religion Poisons Everything (2007)

تبیین‌های طبیعی برای اموری چون اخلاق و ارزش‌های انسانی پاسخگوست، دیگر نیازی به وارد کردن تبیین‌های ماوراء طبیعی و دینی نیست.

۳— خانم تینا بتی^۱ از الهی‌دانان مسیحی در کتابی با عنوان «الحاد جدید؛ دوران افول عقل و مبارزه با دین»^۲ رویکرد الحاد جدید نسبت به اخلاق دینی را نفی کرده و به دلیل تأکید الحاد جدید بر تفرقه و خشونت، آن را جریانی خطرناک و ضد انسانی می‌داند و معتقد است اگر قرار است از گرداب خشونت بی‌پایان نجات یابیم باید توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی خود را پرورش داده و با حسن نیت در مورد موضوعات مورد اختلاف گفتگو کنیم.^۳

۴— آقای محمد حسن خلیل استاد حقوق و مدیر برنامه مطالعات مسلمانان دانشگاه ایالتی میشیگان در کتاب خود «جهاد، افراط‌گرایی و الحاد جدید»^۴ به بررسی دیدگاه الحاد جدید درباره‌ی موضوع جهاد اسلامی پرداخته است. از آنجا که الحاد جدید، ادیان الهی به‌ویژه اسلام را دست‌کم به دلیل پذیرش مقوله جهاد، مروج خشونت در جوامع انسانی می‌داند، دکتر خلیل تلاش کرده است که نگاه درست اسلام به جهاد را تبیین و دیدگاه الحاد جدید را نقد و بررسی کند.

۵— الهی‌دان آمریکایی جان اف هات^۵ در کتاب خود با عنوان «خدا و الحاد جدید؛ واکنشی انتقادی به داووکینز، هریس و هیچنز»^۶ ادله ملحدان جدید در باب نفی وجود خداوند را رد کرده و با رویکرد آنان در باب اخلاق و دین مخالفت می‌کند. وی معتقد است ملحدان جدید از آنچه در جهان الهیات و دین می‌گذرد، بی‌خبرند و صرفاً یک قرائت افراطی و کاریکاتوری از ایمان را نشانه گرفته و به آن حمله می‌کنند.

علی‌رغم اینکه موضع‌گیری‌های خوبی راجع به رویکرد تهاجمی الحاد نسبت به اخلاق دینی صورت گرفته و کتب و مقالات خوبی نوشته شده است ولی درباره نگاه الحاد جدید درباره رابطه علم و اخلاق و تأسیس اخلاق علم‌بنیاد، هر چند جسته‌گریخته نقدهایی به اخلاق علمی شده است ولی تا آنجا که من جستجو کرده‌ام کتاب یا مقاله مستقلی در این خصوص را نیافتم.

^۱ Tina Beattie (1955 - ...)

^۲ Tina Beattie, The New Atheists The Twilight of Reason and the War on Religion (2007)

^۳ Ibid, p 18.

^۴ Mohammad Hassan Khalil, Jihad, Radicalism, and the New Atheism (2018).

^۵ John F. Haught (1942 - ...)

^۶ John F. Haught, God and the new atheism: a critical response to Dawkins, Harris, and Hitchens. 2008.

۴-۱-۱ پرسش‌های اصلی و فرعی

پرسش اصلی

دیدگاه الحاد جدید نسبت به رابطه‌ی علم و اخلاق به روایت سم هریس چیست و چه نقدهایی بر آن وارد است؟

پرسش‌های فرعی

- ۱- چه نظریه‌هایی درباره‌ی رابطه‌ی دین و اخلاق و نیز علم و اخلاق وجود دارد؟
- ۲- نگاه سم هریس به رابطه‌ی دین و اخلاق چیست؟
- ۳- دیدگاه سم هریس درباره‌ی رابطه‌ی علم و اخلاق چیست؟
- ۴- چه نقدهایی بر نگاه سم هریس به رابطه‌ی دین و اخلاق و نیز علم و اخلاق وارد است؟ در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوالات و مباحث پیرامون آن‌ها خواهیم بود.

۵-۱-۱ روش تحقیق

عنوان این نوشتار، «بررسی دیدگاه «الحاد جدید» درباره‌ی رابطه‌ی علم و اخلاق به روایت سم هریس» است.

در فصل اول با شیوه‌ای توصیفی و کتابخانه‌ای کلیات و مفاهیم مربوط به این موضوع را بیان کرده‌ایم.

در فصل دوم نیز نگاهی کلی به انواع روابط موجود میان «دین و اخلاق» و «علم و اخلاق» می‌شود تا جایگاه الحاد جدید به‌ویژه سم هریس در جغرافیای گسترده روابط میان این دو مقوله به‌طور واضح روشن گردد. در این فصل نیز، بیشتر از شیوه‌ی توصیفی بهره گرفته‌ایم و وارد ارزیابی انتقادی دیدگاه‌ها در باب رابطه‌ی «دین و اخلاق» و نیز «علم و اخلاق» نشده‌ایم.

در فصل سوم، به بررسی رابطه «دین و اخلاق» از منظر سم هریس پرداخته شده است. در بخش‌هایی از این فصل، با استفاده از شیوه‌ی توصیفی و کتابخانه‌ای تلاش شده است ادله‌ی هریس در نفی اخلاق دینی تبیین و سپس در ادامه با روش تحلیلی به نقد دیدگاه وی پرداخته شده است.

در فصل چهارم، رابطه علم و اخلاق از نگاه هریس تبیین و بررسی شده است. در این فصل نیز همانند فصل سوم، سعی شده است ابتدا به شیوه‌ی کتابخانه‌ای توصیف و تبیین مناسبی از رویکرد